



طبق روال گذشته، سردبیر مجله پاسخ‌گوی پرسش‌های خوانندگان در این صفحه است. ضمن تشکر از طرح سؤال‌های خوب شما، هم‌چنان منتظر سؤال‌های شما در زمینه‌ی کودک، خانواده، مراکز پیش از دبستان و مسایل و مشکلات در این موارد هستیم.

آزمون‌های ورودی

مشاور عزیز

پدر و مادر فرزندی شش ساله هستیم که از ابتدای مهرماه کلاس اول را آغاز می‌کند. برای ثبت‌نام او به مدارس متعدد مراجعه کرده‌ایم و بسیاری از آن‌ها آزمون‌هایی را از کودکان به عمل می‌آورند و برای ورود به دبستان قبولی در این آزمون‌ها را معیار قرار داده‌اند.

خانم دکتر عزیز، آیا شما با این شیوه موافق هستید؟ آیا کودکان ما باید برای ورود به دبستان از این آزمون‌ها عبور کنند؟ گرفتن این آزمون‌ها تا چه حد ضروری است و چه نقشی در کار یادگیری کودکان دارد؟

پدر و مادر گرامی

خدمت شما سلام عرض می‌کنم. به شما به خاطر ورود کودکان به دبستان و آغاز یادگیری رسمی تبریک می‌گویم. ان‌شاءالله در پناه حق و به شادی، امیدوارم برای او تجربه‌ی خوبی باشد و شما نیز در کنار او شاهد ترقی و پیشرفت تحصیلی‌اش باشید.

پرسش‌های مهمی را مطرح کرده‌اید که فکر می‌کنم مسئله‌ی بسیاری از خانواده‌ها باشد. ابتدا باید بگویم که در مورد برگزاری آزمون‌های متفاوت در بدو ورود به دبستان، دلایل مثبت و گاه منفی وجود دارد. بعضی از آزمون‌ها منطقی و به‌موقع هستند، بعضی نیز لزوم چندانی ندارند. این که آزمون‌ها شرطی برای ورود باشند، شاید شیوه‌ی مناسب و مستدلی نباشد. چون به هر حال کودکان با هر دشواری و هر توانایی، به نوعی قابلیت ورود به مراحل تحصیلی را دارا هستند و جامعه‌ی آموزشی علی‌القاعده در فکر حذف هیچ فردی از نظام تربیتی نیست.

اما باید دانست، بعضی از آزمون‌هایی که هم‌اکنون در پایگاه‌های اطلاعاتی برای تشخیص توانایی‌ها و ضعف‌های جسمی و رفتاری کودکان در بدو ورود به دبستان انجام

می‌شوند و بیشتر هم جنبه‌ی شناختی از نظر پزشکی و تشخیصی ضعف‌ها و قابلیت‌های حسی - حرکتی، بینایی، شنوایی، رشد زبان و مواردی از این قبیل را دارند، بسیار منطقی و لازم هستند. چون اگر به‌ویژه در این دوره مشخص شود که کودکی دارای تنبلی چشمی است، به بهترین‌وجه می‌تواند از آن رهایی یابد و طبق راهنمایی‌های پزشکی به خانواده‌ها، از مشکلات بعدی جلوگیری به عمل خواهد آمد. اما اگر آزمون‌هایی معیار ورود قرار گیرند که جنبه‌ی تفکیکی به‌ویژه از نظر خلاقیت داشته باشند و یا مبتنی بر معیارهای شخصی و سلیقه‌ای و غیراستاندارد باشند، لزوم چندانی ندارند. به‌علاوه، به‌علت قابل اطمینان نبودن نتایج آن‌ها، معیار تشخیصی محسوب نمی‌شوند و نباید کودکان و خانواده‌هایشان را با نتایج آن‌ها دچار اضطراب کنیم. زیرا بسیاری از آزمون‌ها ممکن است مهارت‌های مورد نیاز مدارس را بسنجند، ولی به سایر مهارت‌هایی که به همان اندازه برای کسب موفقیت در زندگی اهمیت دارند، نپردازند. به‌ویژه انجام نادرست، غیراستاندارد و نامعتبر آزمون‌های هوش، ممکن است خدای ناکرده برچسب‌ها و انگ‌هایی را به کودک وارد کنند که زدودن آن‌ها دشوار خواهد بود.

از طرف دیگر، این آزمون‌ها ممکن است جهت‌گیری خاصی داشته باشند که با توجه به سطح فرهنگی و محیطی بسیاری از خانواده‌ها، نمره پایینی را برای کودک به‌صورت غیر منصفانه‌ای به‌دست دهد. چنین سنجشی نمی‌تواند به‌صورت خیلی دقیقی برای پیش‌بینی میزان موفقیت کودک در مدرسه و زندگی آینده‌ی وی کاربرد داشته باشد. از آن‌جا که هوش به مرور زمان و برحسب تجربه، تحریک و چالش نیز شکل می‌گیرد، این یک کاربرد کاملاً غیرمنصفانه برای جداسازی کودکان در بدو ورود محسوب می‌شود.

از همه مهم‌تر این‌که اگر والدین براساس پیش‌داوری‌های ایجاد شده، دچار اضطراب و سرخوردگی شوند که مثلاً کودکشان خلاق یا باهوش نیست و یا ... بعدها گریز از این طبقه‌بندی غیراصولی کاری دشوار خواهد شد.

مهم آن است که ما به‌عنوان والدین، باید توانایی‌ها،





کلیدواژه‌ها: رشد اجتماعی، سخاوت و بخشندگی، آزمون‌های ورودی.

بهتر است استفاده نکنید که کارساز نیست. یکی از هدف‌های اساسی برای بالا بردن روحیه‌ی کودکان از این نظر و آموزش سخاوت، بخشندگی و بلند نظری این است که به کودکان کمک کنیم تا اسباب و وسایل و تجربیات خود را با دیگران شریک شوند.

برای بخشندگی و سخاوت، الگو قرار گرفتن و نقش مدل را داشتن، رخداد این نوع رفتار را افزایش می‌دهد. دیده شده است که آموزش و رفتارهای اجتماعی زمانی به بهترین وجه صورت می‌گیرد که مربی، مادر و یا افراد بزرگ‌تر، خود نمونه و عامل به عمل باشند. در عین حال و شاید به

طور هم‌زمان، برای روشن کردن ذهن کودک در مورد اتفاقات باید با او صحبت کنند. برای مثال: مربی و یا والدین می‌توانند در ایجاد گرایش کودکان به مشارکت با دیگران، لذت بردن از بده و بستن وسایل و عدم گرایش به امور نامطلوب مثل آزردن دیگران با برقرار نکردن ارتباط و سهیم نشدن، مساعدت نکردن و غیره، ایفای نقش کنند.

فرصت

دادن برای ابراز عواطف و همدردی با دیگران از طریق نمایش‌های خلاق، نقش آفرینی و بازی‌های نمایشی نیز می‌تواند در مراکز پیش از دبستان، کودک را به بخشندگی و سخاوت عادت دهد

فرصت دادن برای ابراز عواطف و همدردی با

دیگران از طریق نمایش‌های خلاق، نقش آفرینی و بازی‌های نمایشی نیز می‌تواند در مراکز پیش از دبستان، کودک را به بخشندگی و سخاوت عادت دهد. در هر حال باید چنان کنیم که کودک از بودن با دیگران، رد و بدل کردن نیازها، وسایل و داشته‌های خود لذت ببرد و احساس کند که در غیر این صورت، دوستی‌هایش پایدار نیست و کودکان دیگر را رنجیده خاطر می‌کند. به همین دلیل، هنر سازش و مصالحه، همکاری و تعاون و توجه به احساسات دیگران را باید سرلوحه‌ی کارهای آموزشی خود قرار دهیم. به کودکان باید از همین سنین آموزش دهیم تا به احساسات دیگران پی ببرند و حس همدلی در آن‌ها تقویت شود.

برای شما و فرزندان‌تان آرزوی سلامتی و شادی فراوان

دارم.

قابلیت‌ها و ضعف‌های کودک خود را بپذیریم و بیش از ظرفیتش، او را تحت فشار قرار ندهیم. و بی شک ورود به نظام آموزشی سبب می‌شود که کودک ما مهارت‌ها و دانایی‌های بیشتری به دست آورد. مراقب باشیم او را با کودکان دیگر در رقابت ناسالم قرار ندهیم. محیطی سازنده و برنامه‌هایی غنی برایش فراهم آوریم تا از قابلیت‌های خود بهترین بهره را ببرد. محیط آموزشی مطلوب، مربی و معلم دلسوز و دوستان همراه، خواهند توانست تجربه‌ی زیبا و سالمی را برای همه‌ی کودکان در بدو ورود به مدرسه پدید آورند. سعی کنیم نگرش مثبتی نسبت به تحصیل در فرزندمان از همین آغاز به وجود آوریم. مدرسه‌ای را انتخاب کنیم که به محل سکونتمان نزدیک باشد تا کودک برای رفت و آمد کمتر خسته شود. تلاش او را در طول سال برای پیشرفت و موفقیت مورد تشویق قرار دهیم. برای شما و کودک دل‌بندان آغاز مطلوب و زیبایی را آرزو می‌کنم.

دوست و راهنمای شما

آیا فرزند من خسیس است؟

مشاور عزیز

مادری هستم دارای سه فرزند که یکی از آن‌ها پنج ساله است. احساس می‌کنم که کودکم هنوز یاد نگرفته است چگونه وسایل و اسباب‌بازی‌هایش را به دیگران بدهد و با آن‌ها شریک شود. گاهی حس می‌کنم خسیس است. آیا مشکلی دارد؟

مادر عزیز، سلام

«رشد اجتماعی کودکان» که از ارزش بالایی برای ارتباط با دیگران برخوردار است، طی فرایندی طولانی و مراحل متفاوتی شکل می‌گیرد. کودکان از طریق الگو گرفتن از دیگران، اطرافیان و شرایط محیطی، یاد می‌گیرند که با دیگران مرادده داشته باشند، از آن‌ها چیزی را به امانت بگیرند و یا دیگران را در بازی، کارها و امور خود شرکت دهند. از برچسب خست